

تعامل/ قاعده علم ساختی (ش.ش)

تعامل علم ساختی (ش.ش) هر گونه **تاثیر و تاثر** میان دو یا چند مفهوم که به مفهوم یا مفاهیم تازه بیانجامد، تعامل علم ساختی است.

قاعده علم ساختی: هر قاعده ای که از احوال و رفتار توالد و تناسل یک یا چند مفهوم علمی گزارش کند، قاعده ای علم ساختی است.

به عبارت دیگر قاعده علم ساختی، بیان فرآیندی قابل پیش بینی است که احوال گوشه و کنار سپهر معرفت (مانند تحولات و ثباتات و ...) را توضیح می دهد. علم منطق، فلسفه علم و علوم ادراکی و مانند آن محل مناسبی برای رصد این قواعد هستند. اما مستندات فراتر و بیشماری برای این تعامل و قواعد هست.

دو مفهوم یا دو شاخه ی علم در شرایطی که از هم منزوی باشند تعامل علم ساختی چندانی ندارند. وقتی علوم همدیگر را استنطاق کنند و مثلاً در دانش سرا ارتباط مسالمت آمیز داشته باشند، تعامل علم ساختی شکل می گیرد.

نزاع و تکفیر، دیدگاهی مانند مکتب تفکیک و... تعامل علم ساختی نیست. زیرا حقیقت متناقض و تکفیر کننده بعضی بعض دیگر را نیست. طور کلی می توان گفت هر جا علمی متولد شود (چه تولد تاسیسی یا تولد به جهت تجربه ی آموختن) پای یک تعامل و ^۹یک قاعده ی علم ساختی در میان است. گاه این تعامل میکروسکپی و گاه ماکروسکپی است. تولید و تولد علوم میان رشته ای با تعامل علم ساختی در هم عجین و یکی موجب دیگری است. مثلاً شیمی و زیست شناسی، بیوشیمی را موجب شده اند. علم دانشسرایی همواره یک نهاد و یک پدیده ی اجتماعی هم هست.

مثلاً:

مباحث زیبایی شناسی می تواند با علم فصاحت و بلاغت و فن بیان تعامل علم ساختی داشته باشد یا نداشته باشد. پس ممکن است مفسر در توضیح جنبه های بلاغی آیات قرآن با زیبایی شناسی محدود به وجوه بلاغی تفسیر و استفسار کند و نیز ممکن است با استفاده از حجم گسترده ی مباحث زیبایی شناسی که امروز در سپهر معرفت وجود دارد این کار را صورت دهد.

روان شناسی می تواند با معارف قرآنی بطور دو سویه تعامل علم ساختی داشته یا نداشته

باشد.

گاهی تعاملات علم ساختی پیچیده تر است. بویژه اگر میان علم و عالم قایل به تقلیل (تحول همسانی بنیادین) یکی به دیگر باشیم. یا پدیده های اجتماعی و مانند آن را علت مباشر این تعامل بدانیم (این نگاه اعمی توصیه نمی شود مگر برای کسی که حکمت متعالیه بداند)

مثلاً:

تدبر در آیات^۴ افزایش معرفت الله // ^۴نگاه مدیرانه و متفکرانه در آیات الهی به شناخت بهتر خداوند منجر میشود.

و من یتق الله ^۴یجعل له فرقانا نوعی تعامل علم ساختی بین متعلم و علم است.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا ^۴سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنْذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ.... یک قاعده ی علم ساختی است.

سأصرف عن آیاتی الذین یتکبرونَ فی الارضُ بغیر الحق))من آن کسانی را که در روی زمین به ناحق تکبر می ورزند از ذکر آیاتم محروم می سازم//اعراف ۸۴۶//

و اذا قیل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما الفینا علیه آبائنا اولو کان آباؤهم لا یعقلون شیئاًو لا یهتدون)) و هنگامیکه به آنها گفته می شود از آنچه خداوند نازل کرده است پیروی کنید می گویند ما از آنچه پدران خود را برآن یافتیم پیروی می کنیم . آیا مگر نه اینست که پدرانشان چیزی را درک نمی کنند و هدایت نیافته بودند//بقره ۱۷۰//

وَ كَآئِنٍ مِنْ آیهٍ فِی السَّمَوَاتِ وَ الْاَرْضِ یَمُرُّونَ عَلَیْهَا وَ هُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ)) چه بسیار نشانه هایی در آسمانها و زمین وجود دارد که اینان بر آنها گذر می کنند و از آن روی می گردانند.//یوسف ۸۰.۵//

تعامل کافی^۴ رشد علوم // هر گاه میان علوم تعامل کافی باشد علوم رشد می کند.

تخلق عالمان + مباحثه ی متواضعانه ^۴ رشد علم // هرگاه عالمان علوم متقی و متخلق باشند و در کنار هم متواضعانه به تعلیم و تعلم پردازند علوم مبارک و گسترده و مفید می شود و...

تکبر + کوشش برای ادارک^۴سلب توفیق// هر گاه مستکبران مسلط بر عالم شوند و عالم ربانی بر کنار باشد کاخ علم سرنگون می شود.

هر گاه متعلم با تضرع و اخلاص مطلبی علمی را طلب کند احیاناً بهتر از آن نصیبش می شود

علوم منزوی با هم تعامل تولید علمی ندارند

تحولات معرفتی همه میتوانند معلول تعامل علم ساختی باشند.

همه از دور یا نزدیک به قواعد علم ساختی اشاره دارند و همه مطلوب فلاسفه علم اند.



آیا بهتر نیست تعامل علم ساختی را به تعامل مفاهیم و علوم محدود کنیم و آن را از پدیده های دیگر مانند عالم، شرایط زیستسازه ای جدا کنیم؟

تمیزکاری توسط همکار افتخاری: فاطمه ترابی